

الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها

ابوذر رفیعی قهساره¹

چکیده

پس از مطرح‌شدن مفهوم «قدرت نرم» توسط جوزف نای در دهه 1990، این مفهوم جایگاه ویژه‌ای در مطالعات قدرت و روابط بین‌الملل یافت و به یکی از مفاهیم محوری این حوزه‌ها تبدیل شد. یکی از موضوعات مطرح درباره تمامی اشکال قدرت از جمله قدرت نرم، سنجش قدرت است. از آنجاکه قدرت امری نسبی است، با استفاده از سنجش و مقایسه معنا می‌یابد؛ از این‌رو سنجش قدرت ملی کشورها به منظور تعیین جایگاه آن‌ها در نظام جهانی، از دغدغه‌های دانشمندان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بوده است. پژوهش حاضر می‌کوشد با توجه به اهمیت یافتن قدرت نرم در سال‌های اخیر و ضرورت سنجش آن به‌رغم دشواری‌های موجود در این زمینه، به بررسی مطالعات و اقدامات انجام‌شده درباره آن بپردازد و الگوهای مختلف مطرح‌شده را مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: قدرت سخت، قدرت نرم، سنجش و ارزیابی، الگوها و شاخص‌ها.

1. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج / rafiei_aboozar@yahoo.com

1. مقدمه

عرصه بین‌الملل عرصه رقابت دولت‌هاست. دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل به دنبال پیشبرد منافع ملی هستند و در این مسیر، سعی در ارتقای قدرت و توان ملی خود دارند. میان سطح قدرت ملی یک دولت و سطح دستیابی آن به منافع ملی، رابطه مستقیمی وجود دارد. هرچه دولتی از قدرت و توان ملی بالاتری برخوردار باشد، در پیشبرد و حفظ منافع ملی خود تواناتر خواهد بود. به همین دلیل، هدف اصلی دولت‌ها در عرصه بین‌الملل ارتقای قدرت ملی خود در قیاس با قدرت ملی دولت‌های رقیب است و مفهوم قدرت یکی از مفاهیم اصلی و کلیدی روابط و سیاست بین‌الملل به شمار می‌آید.

تا مدت‌ها در نظریه‌های روابط بین‌الملل مفهوم «قدرت ملی» برابر بود با آنچه از آن با عنوان «قدرت سخت» یاد می‌شود. قدرت سخت قدیمی‌ترین شکل قدرت است و توانایی دستیابی به اهداف از طریق اقدامات مبتنی بر اجبار و تهدید یا همان سیاست «هویج و چماق» انگاشته می‌شود. به طور سنتی، قدرت سخت دولت‌ها با شاخص‌ها و معیارهایی همچون جمعیت، سرزمین، جغرافیا، منابع طبیعی، قدرت نظامی و توان اقتصادی سنجیده می‌شود. جوزف نای با طرح مفهوم «قدرت نرم» در دهه 1990، بُعد تازه‌ای را به قدرت ملی افزود. قدرت نرم - آن‌گونه که نای بدان اشاره دارد و در ادامه مفصل‌تر به آن پرداخته خواهد شد - عبارت است از شکل‌دادن به اولویت‌های دیگران بدون استفاده از زور، اجبار یا خشونت و از طریق منابع نامحسوس مانند شخصیت جذاب، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، نهادها، و نیز سیاست‌هایی که مشروع تلقی شده و از قدرت اخلاقی برخوردارند. بدین ترتیب، مفهوم مشروعیت، جایگاهی محوری و کلیدی در قدرت نرم دارد.

با توجه به اهمیت مفهوم قدرت ملی و رقابت بر سر آن در روابط بین‌الملل، یکی از موضوعات اصلی این رشته، سنجش و ارزیابی قدرت و توان ملی کشورهاست. سنجش و ارزیابی قدرت سخت کشورها چندان دشوار نیست زیرا همان‌گونه که اشاره شد، منابع این قدرت عینی و ملموس بوده و قابل سنجش و اندازه‌گیری هستند؛ بنابراین به راحتی می‌توان قدرت سخت دولت‌ها را با هم مقایسه و جایگاه هر دولت را براساس این بُعد از قدرت ملی مشخص کرد، اما در رابطه با قدرت نرم،

وضعیت بدین شکل نیست. قدرت نرم مبتنی بر منابع ناملموس است و از این رو سنجش سطح قدرت نرم دولت‌ها و همچنین ارزیابی تأثیرات آن به راحتی امکان‌پذیر نیست. مقاله حاضر می‌کوشد به موضوع سنجش‌پذیری یا سنجش‌ناپذیری قدرت نرم بپردازد و دیدگاه‌های مختلفی را که در این زمینه وجود دارد، مورد بررسی قرار دهد. در ادامه ضمن معرفی مفهوم قدرت نرم و بررسی دیدگاه‌های گوناگون، الگوها و شاخص‌هایی که برای سنجش قدرت نرم دولت‌ها در روابط بین‌الملل ارائه شده‌اند، بررسی خواهند شد.

2. ادبیات پژوهش

همان‌گونه که پیشگامی فرد و همکارانش (1394) اشاره می‌کنند، به دلیل کیفی بودن و قابل اندازه‌گیری نبودن مؤلفه‌های قدرت نرم، ادبیات مؤثر و مسلطی در زمینه اندازه‌گیری قدرت نرم کشورها فراهم نیامده است؛ همچنان‌که الگوهای تطبیقی و مقایسه‌ای قابل توجهی نیز در این حوزه‌ها ارائه نشده است. در ادامه برخی از مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه، بیان می‌شوند.

پیشگامی فرد و همکارانش در مقاله «ارائه مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه فازی برای مقایسه قدرت نرم کشورها» (1394) به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستند که میزان و جایگاه قدرت نرم کشورهای جنوب غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه چگونه است؟ نویسندگان با روش جبرانی فازی به این نتیجه دست یافته‌اند که توان قدرت نرم در کشورهای جنوب غرب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز بدین ترتیب است: ترکیه، عربستان، فلسطین، اشغالی، قزاقستان، ایران، عمان، قطر، گرجستان، آذربایجان و امارات، کویت، بحرین، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، پاکستان، ازبکستان، ارمنستان، لبنان، اردن، سوریه، عراق و در نهایت، افغانستان و یمن.

هرسیچ و همکارانش در مقاله «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران» (1388)، در محاسبه وزن و جایگاه نسبی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در هفت منطقه ژئوپلیتیکی براساس مؤلفه‌های ده‌گانه سنجش قدرت نرم و در قالب 18 شاخص کوشیده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد جمهوری اسلامی ایران بیشترین کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم را در میان کشورهای اوراسیای مرکزی و کمترین میزان را به نسبت منطقه امریکای لاتین داشته است. این پژوهش مشخص می‌کند بالاترین میزان

اعمال قدرت نرم ایران در مناطقی است که ساکنان آنان بیشتر با زبان فارسی در ارتباط هستند. زرقانی در مقاله «نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی» (1389)، کوشیده است با رویکرد توصیفی - تحلیلی ابتدا نظریه‌های مختلف را در مورد عناصر متشکله قدرت ملی، بررسی کند. در ادامه وی مدل‌های مفهومی و ریاضی سنجش قدرت ملی را به تفکیک ارزیابی کرده و کوشیده است با نقد و تحلیل این مدل‌ها، مهم‌ترین اشکال‌های مفهومی و ساختاری این مدل‌ها را تبیین کند و سپس با شناخت نقاط ضعف و قوت هر مدل، راهکارهایی برای طراحی یک مدل بهینه سنجش قدرت ملی ارائه دهد. البته در این مقاله منظور نویسنده از قدرت ملی، قدرت سخت است و اشاره‌ای به سنجش قدرت نرم ندارد.

حافظنیا و همکارانش در مقاله «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها» (1385)، کوشیده‌اند با توجه به نقد و ارزیابی مدل‌های پیشین سنجش قدرت ملی، مدل نوینی ارائه کنند که چه از نظر روش کار و چه از نظر تعداد و ترکیب فاکتورها و متغیرهای مؤثر بر قدرت ملی، نسبت به تمامی مدل‌های پیشین برتری داشته باشد. نویسندگان مقاله ضمن تشریح شیوه طراحی مدل سنجش قدرت ملی در قالب سیزده مرحله، با استفاده از مدل مزبور که از ترکیب حدود 90 متغیر در قالب نه فاکتور تشکیل شده است، به سنجش قدرت 140 کشور جهان پرداخته‌اند و در پایان با توجه به میزان قدرت ملی کشورها، ساختار قدرت جهانی را در قالب مدلی پنج‌سطحی ارائه داده‌اند. البته این پژوهش نیز همانند پژوهش پیشین، قدرت ملی را مساوی با قدرت سخت دانسته و سعی در ارائه مدلی برای سنجش آن دارد.

دهقانی فیروزآبادی و ذوالفقاری در مقاله «تحلیل قدرت نرم بریتانیا» (1393)، به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که مهم‌ترین منابع قدرت نرم بریتانیا در سیاست خارجی این کشور کدام است؟ در پاسخ به این پرسش، نویسندگان مبادرت به شناخت منابع و سازمان‌های متولی تولید و کاربست قدرت نرم بریتانیا کرده‌اند. بر این اساس، نویسندگان منابع قدرت نرم را به دو حوزه منابع جامعه‌محور و دولت‌محور تقسیم کرده و شاخص‌هایی را تعریف کرده‌اند. بر این اساس، آنان قدرت نرم بریتانیا را مورد سنجش قرار داده و در نهایت به این نتیجه رسیده‌اند که دولت بریتانیا به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های داخلی و بین‌المللی، یکی از شاخص‌ترین بازیگران جهانی در عرصه تولید و به‌کارگیری قدرت نرم است.

افضلی و همکارانش در مقاله «مؤلفه‌های قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت‌های آن در عرصه بین‌الملل از دید کارشناسان» (1397)، به دنبال شناسایی ظرفیت‌های قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و استفاده از فرصت‌های ایجادشده ناشی از آن به منظور نقش‌آفرینی مؤثر در روابط بین‌الملل هستند. در این مقاله، شاخص‌های قدرت نرم در شانزده مورد با بررسی میزان اثرگذاری‌شان بر قدرت ملی جمهوری اسلامی مشخص شده است: در بُعد فرهنگی: موقعیت فرهنگی ایران به لحاظ تاریخ و تمدن کهن و چندین هزارساله، در بُعد اقتصادی: مزیت نسبی در تولید و توزیع کالایی خاص، و در بُعد سیاسی: وحدت و اعتماد ملی بالاترین ضریب اثر را در قدرت ملی دارند. از نگاه نویسندگان، از نتایج و فرصت‌های ایجادشده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گسترش منافع ملی در سطح بین‌المللی، افزایش قدرت ملی، ارائه تصویر مثبت از انقلاب اسلامی در ذهن ملت‌های دیگر، برقراری وفاق، اقتدار و ارتقای ضریب امنیت ملی از طریق مشارکت مردم در صحنه‌های مختلف، افزایش نفوذ ژئوپلیتیکی در منطقه و جهان، بازتولید اندیشه مقاومت به‌ویژه در میان ملت‌های منطقه و ایفای نقش تعیین‌کننده در معادله‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. در نهایت مشخص شد فرصت‌های ایجادشده از قدرت نرم سبب تحکیم و ارتقای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است.

بررسی مقاله‌ها و پژوهش‌های بیان‌شده نشان می‌دهد هیچ‌یک از آن‌ها به شکل خاص و ویژه به موضوع مقاله حاضر یعنی مباحث نظری مربوط به سنجش و ارزیابی قدرت نرم نپرداخته‌اند. تعدادی از این پژوهش‌ها به سنجش و ارزیابی قدرت نرم در یک کشور براساس مؤلفه‌ها و شاخص‌های خاص از تعاریف قدرت نرم، اقدام کرده‌اند و در آن‌ها بحثی از مباحث نظری مربوط به ارزیابی قدرت نرم نشده است. همچنین چند مورد از این پژوهش‌ها که به مباحث نظری سنجش قدرت ملی پرداخته‌اند، قدرت ملی را مترادف با قدرت سخت دانسته‌اند و بیشتر بر این شکل از قدرت تمرکز کرده و بحثی از سنجش و ارزیابی قدرت نرم انجام نداده‌اند. بر این اساس، می‌توان موضوع پژوهش حاضر را متفاوت از پژوهش‌های پیشین دانست چراکه از مباحث نظری، الگوها و مدل‌های سنجش و ارزیابی قدرت نرم بحث می‌شود که در پژوهش‌های پیشین به آن‌ها پرداخته نشده است.

3. چهارچوب نظری پژوهش

بخش نظری پژوهش به سه قسمت تقسیم می‌شود: (1) مفهوم قدرت نرم؛ (2) اهمیت و ضرورت ارزیابی و سنجش کارایی قدرت نرم؛ (3) مشکلات ارزیابی و سنجش کارایی قدرت نرم.

3-1. مفهوم قدرت نرم

قدرت یکی از مفاهیم کلیدی در علم سیاست و روابط بین‌الملل است. در کلی‌ترین سطح، قدرت به معنای توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران به منظور رسیدن به نتایج دلخواه است. برای تحت تأثیر قراردادن رفتار دیگران چندین راه وجود دارد: می‌توان آن‌ها را با تهدید یا اعمال نیروی قهریه مجبور به انجام کاری کرد؛ می‌توان با کاربرد منابع اقتصادی دیگران را وادار به پیروی کرد؛ یا اینکه با بهره‌گیری از مؤلفه‌های نرم‌افزاری قدرت آن‌ها را جذب و با خود همراه کرد (هرسیچ، تویسرکانی و جعفری، 1388: 231). دو شیوه نخست را شیوه‌های مبتنی بر «قدرت سخت» و شیوه سوم را شیوه مبتنی بر «قدرت نرم» می‌دانند.

اصطلاح قدرت نرم در قالب نظریه‌ای منسجم، نخستین بار در اوایل دهه 1990 توسط جوزف نای مطرح شد و به همین دلیل از وی به‌عنوان مبدع مفهوم قدرت نرم در جهان یاد می‌شود. نای از جمله اندیشمندانی بود که در چهارچوب نظریه نهادگرایی نئولیبرال به ضرورت توجه به تحولات بنیادین سیاست بین‌الملل پرداخت. بخش عمده‌ای از تحقیقات وی از دهه 1990، پیرامون سرشت درحال‌تغییر قدرت در سیاست بین‌الملل، جایگاه و سرشت قدرت آمریکا در سلسله‌مراتب قدرت جهانی و طرح مفهوم قدرت نرم در سیاست خارجی بوده است (خداوردی و رحمتی، 1397: 77). نای مفهوم قدرت نرم را نخستین بار در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه آتلانتیک مطرح کرد. نای در آثار دیگر خود با عنوان «لزوم رهبری: طبیعت متغیر قدرت آمریکا»، «قدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سیاست جهانی»، «قدرت نرم و آموزش عالی آمریکا»، «رهبری و قدرت هوشمند» و «قدرت آینده» به تفصیل به بررسی قدرت نرم می‌پردازد (سیف و همکاران، 1392: 8). از دیدگاه نای، قدرت به دو بخش «قدرت سخت» و «قدرت نرم» تقسیم می‌شود. «قدرت سخت» برای اشاره به شالوده‌توانایی‌های نظامی و اقتصادی به کار می‌رود و «قدرت نرم» توانایی یک کشور در وادارکردن کشورهای دیگر است در اینکه همان چیزی را بخواهند که او می‌خواهد؛ آن هم

از راه جاذبه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی که در اختیار دارد. جنس قدرت نرم از نوع اقناع، و جنس قدرت سخت از مقوله اجبار است (Nye, 2004: 24).

نای تعاریف مختلفی از قدرت نرم ارائه می‌کند که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- توانایی جذب کردن؛

- توانایی شکل دادن به ترجیحات؛

- توانایی تعیین اولویت‌ها به گونه‌ای که مشروع به نظر برسد یا دارای اعتبار معنوی باشد؛

- قدرت جذب، اقناع و شیفتگی؛

- نیرویی فرهنگی - اقتصادی؛

- تغییر شکل قدرت از امرانه به متقاعدکننده؛

- توانایی تأثیر بر دیگران به طوری که خواسته شما تبدیل به خواسته آن‌ها شود (Nye, 2004: 62);

(Nye, 2000: 46).

به طور کلی قدرت نرم را می‌توان عبارت دانست از: توانایی به دست آوردن چیزی که می‌خواهیم با جذب و اقناع سایرین برای تحقق اهداف خود کسب کنیم. قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت از خود، تأثیرگذاری همراه با رضایت بر دیگران، اراده دیگران را تابع خود کردن و مؤلفه‌های شبیه آن است. قدرت نرم توانایی کسب مطلوب مقصود و هدف از طریق جاذبه، نه از راه اجبار یا تطمیع است. قدرت نرم از جذابیت فرهنگی، ایدئال‌های سیاسی و سیاست‌های یک کشور ناشی می‌شود (عیوضی و پارسا، 1392: 102).

نای از سه عامل به عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد که عبارتند از: فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی. البته وی هیچ‌یک از این سه مؤلفه را به صورت مطلق مطرح نمی‌کند، بلکه شروطی برای آن‌ها قائل می‌شود. به زعم نای، فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند و البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نشوند، و سیاست خارجی در صورتی که مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره منابع قدرت نرم به شمار می‌آیند (سعیدی و مقدم‌فر، 1393: 111-110).

امروزه تردیدی درباره اهمیت قدرت نرم وجود ندارد. همان‌گونه که گالاروتی اشاره می‌کند: «قدرت نرم در سال‌های اخیر در بحث‌های آکادمیک و عمومی صورت گرفته درباره سیاست خارجی جایگاه و

اهمیت محوری یافته و توجه زیادی را به خود جلب کرده است» (Gallarotti, 2011: 1). مفهوم «قدرت نرم» علاوه بر آنکه از بُعد نظری مورد توجه قرار گرفته است، در عرصه عمل نیز توجه سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده و کشورها علاوه بر تلاش برای ارتقای قدرت سخت، در راستای ارتقای قدرت نرم نیز می‌کوشند. در واقع، در سال‌های اخیر میان مفاهیم سیاست خارجی، کمتر مفهومی به اندازه مفهوم «قدرت نرم» توجهات را به سمت خود جلب کرده است (Patalakh, 2016: 86).

3-2. اهمیت و ضرورت ارزیابی و سنجش کارایی قدرت نرم

به اعتقاد جوزف نای، سنجش و ارزیابی میزان کارایی و کارآمدی قدرت (چه به شکل سخت و چه به شکل نرم)، امری ضروری برای اعمال‌کنندگان آن است، زیرا اعمال قدرت عبارت است از فرایند تبدیل منابع قدرت به تغییراتی در رفتار بازیگران مورد نظر. به عبارت دیگر، بازیگران صاحب منابع قدرت از این منابع برای ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار بازیگران هدف استفاده می‌کنند؛ باین حال، صرف استفاده از منابع قدرت از سوی بازیگران دارای این منابع، موجب تغییر رفتار بازیگران هدف نمی‌شود. همان‌گونه که نای اشاره می‌کند، منابع قدرت به‌خودی‌خود و ضرورتاً، قادر به ایجاد نتایج مورد نظر و مطلوب نیستند (Nye, 2011: 76).

برای آنکه بازیگران صاحب منابع قدرت بتوانند با استفاده از این منابع به نتایج مطلوب دست یابند و تغییرات مورد نظر خود را در رفتار بازیگران هدف ایجاد کنند، لازم است استراتژی‌های مؤثر و کارآمدی را به منظور اعمال قدرت در شرایط مناسب در پیش گیرند؛ به عبارت دیگر، منابع قدرت باید به شکلی موفقیت‌آمیز از طریق استراتژی‌های مؤثر و کارآمد، به نتایج مطلوب و مورد نظر تبدیل شوند (Nye, 2004: 13)؛ از این رو برگزیدن استراتژی‌های کارآمد و متناسب با شرایط برای تبدیل شدن منابع قدرت به نتایج مورد نظر، اهمیت و ضرورت دارد. بدون چنین استراتژی‌هایی، فرایند تبدیل منابع قدرت به نتایج دلخواه، به‌درستی صورت نخواهد گرفت. همین ارتباط، اهمیت ارزیابی و سنجش کارایی قدرت را آشکار می‌سازد. برای آنکه بازیگران صاحب منابع قدرت بتوانند بهترین استراتژی‌ها را برای تبدیل منابع قدرت به نتایج مورد نظر در پیش گیرند و کاستی‌ها و ضعف‌های استراتژی‌های منتخب را برطرف سازند، نیازمند ارزیابی و سنجش مداوم نتایج و پیامدهای اعمال قدرت از سوی خود هستند. این سنجش و ارزیابی مداوم، هم در رابطه با قدرت سخت اهمیت دارد و هم در رابطه با قدرت نرم (Ji, 2017: 77).

ازسوی دیگر، به منظور توجیه تأمین بودجه مالی لازم برای برنامه خاصی که با استفاده از «قدرت نرم» ارتباط دارد، باید سودمندی این برنامه نشان داده شود. این امر نیازمند نشان‌دادن کارایی و کارآمدی قدرت نرم برای تأثیرگذاری بر گروه‌های هدف است. به عبارت دیگر، باید نشان داده شود منابع مالی‌ای که صرف این برنامه خاص شده است، بی‌نتیجه نبوده و توانسته است به نتایج و اهداف تعیین شده دست یابد. سیاست‌گذاری درباره برنامه‌های مرتبط با قدرت نرم، تداوم یا توقف برنامه‌های موجود، و میزان منابع مالی که به این برنامه‌ها اختصاص می‌یابد، همگی بستگی به ارزیابی و سنجش میزان کارایی و توانایی این برنامه‌ها برای دستیابی به اهداف تعیین شده و ایجاد نتایج مطلوب دارد (Singh & MacDonald, 2018: 33).

ازسوی دیگر، در بسیاری از کشورها رأی‌دهندگان نسبت به اختصاص بودجه‌های کلان به برنامه‌های مرتبط با «قدرت نرم» نگاه مثبتی ندارند. برای مثال، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال 2014 گزارشی منتشر کرد که براساس آن در کشورهای عضو این سازمان، بیشتر افراد نسبت به برنامه‌های مرتبط با توسعه بین‌الملل و «قدرت نرم» بدبین بودند. بدین ترتیب، افراد مسئول سیاست خارجی در کشورهای مختلف مجبورند مدام درباره سودمندی و کارایی این برنامه‌ها به عموم مردم اطلاع‌رسانی کنند که این امر نیازمند ارزیابی دائمی نتایج اجرای برنامه‌هاست (OECD, 2014: 12). همچنین ارزیابی کارایی و نتایج برنامه‌های مرتبط با «قدرت نرم» ارتباط مستقیمی با آینده‌نگری درباره این برنامه‌ها دارد؛ این ارزیابی تأثیر برنامه‌های مرتبط با قدرت نرم را بر اقتصاد، سیاست داخلی و سیاست خارجی کشور مجری و نیز نقش و تأثیر آن‌ها را بر جهان سیاست در آینده، روشن می‌سازد (Yavuzaslan & Cetin, 2016: 396).

3-3. مشکلات ارزیابی و سنجش کارایی قدرت نرم

ارزیابی و سنجش قدرت نرم دشوار است. به اعتقاد جوزف نای «برخلاف قدرت نظامی یا اقدامات اقتصادی که در صورت کاربرد موفقیت‌آمیز، اجازه دستیابی به نتایج مشخصی را در یک دوره زمانی معین به ما می‌دهند، امکان استفاده از قدرت نرم به این شکل وجود ندارد» (Nye, 2004: 13). در واقع، بسیاری از منابع کلیدی «قدرت نرم» خارج از کنترل دولت‌ها هستند و درعین حال تأثیر این منابع تا حدود زیادی بستگی به پذیرش آن‌ها از سوی بازیگران هدف دارد. نای همچنین تأکید می‌کند اقداماتی که با استفاده از منابع «قدرت سخت» صورت می‌گیرد، می‌تواند بر برداشت بازیگران هدف اثر گذاشته

و دستاوردها و نتایج حاصل از کاربرد منابع «قدرت نرم» را خنثی کند. به اعتقاد گروهی از محققان، تغییر در افکار و برداشت‌های بازیگران هدف، قابل‌سنجش و ارزیابی است؛ با این حال نمی‌توان دقیق مشخص کرد کدام عامل یا عوامل در این تغییر نقش داشته‌اند (Nye, 1990: 336).

برخی زمان‌بر بودن آشکار شدن تأثیرات کاربرد قدرت نرم را یکی از مشکلات و دشواری‌های سنجش و ارزیابی کارایی آن می‌دانند. جوزف نای اشاره می‌کند سیاست‌های مرتبط با «قدرت نرم» اغلب غیرمستقیم عمل می‌کنند و گاه سال‌ها طول می‌کشد تا اهداف و نتایج مورد نظر آن‌ها تحقق یابد (Nye, 2004: 14). بدین ترتیب می‌توان گفت تأثیرات قدرت نرم با تأخیر آشکار می‌شود. حتی عده‌ای بر این باورند که چنین سیاست‌هایی برای تأثیرگذاری موفق، حدود بیست سال زمان نیاز دارند. تأثیرگذاری با تأخیر، سنجش و ارزیابی و همچنین کنترل «قدرت نرم» را دشوار می‌سازد. یکی از کمیته‌های مجلس عوام انگلیس که به موضوعات مرتبط با قدرت نرم می‌پردازد، در گزارش خود تأکید می‌کند حکومت این کشور باید به مردم اطلاع‌رسانی کند که برخی اقدامات و هزینه‌های صورت گرفته در رابطه با قدرت نرم، تنها پس از دوره زمانی مشخص و معینی نتایج ملموس و قابل‌سنجشی را به بار خواهد آورد و در نتیجه دستیابی به این نتایج، نیازمند صبر و تداوم همان سیاست‌هاست (House of Lords, 2014: 105).

محققان سه مشکل دیگر را در رابطه با سنجش و ارزیابی نتایج و پیامدهای قدرت نرم مطرح می‌کنند. یکی از این مشکلات، نامحسوس بودن منابع قدرت نرم است که ارزیابی نتایج را دشوار می‌سازد. برخی از این منابع تأثیرات تدریجی بر بازیگران هدف دارند. تغییر ذهنیت‌های بازیگران هدف نیازمند فرایند طولانی پرورش و آموزش است. در عرصه عمل نیز ممکن است ترکیبی از عوامل تأثیرگذار باشد و موجب تغییر در رفتار بازیگران هدف شود؛ بنابراین به سختی می‌توان مشخص کرد این تغییر نتیجه به‌کارگیری منابع قدرت نرم است یا عوامل دیگری در این میان تأثیرگذار بوده‌اند و یا اینکه میزان تأثیرگذاری منابع قدرت در این رابطه چه میزان بوده است. واقعیت دیگر در این رابطه آن است که برداشت‌ها، احساسات و حتی رفتارهای بازیگران هدف، مدام در حال تغییر و دگرگونی است. بدین ترتیب به دست آوردن درکی دقیق از ساختارهای شناختی، احساسی و ارزشی بازیگران هدف که قدرت نرم در رابطه با آن‌ها به کار گرفته شده است، دشوار است (Ji, 2017: 82).

مشکل دوم آن است که در فرایند تبدیل منابع قدرت نرم به نتایج و اهداف مورد نظر، ممکن است متغیرهای مختلفی مداخله کنند و چنانچه این متغیرها تغییر کنند، ممکن است تأثیرات و نتایج قدرت نرم نیز دچار تغییر شود. دو متغیر مهم در این رابطه عبارتند از رابطه و محیط (Ji, 2017: 82). اثرگذاری قدرت نرم تا اندازه زیادی تحت تأثیر نوع رابطه میان بازیگران اعمال‌کننده قدرت و بازیگران هدف اعمال قدرت است. همان‌گونه که الکساندر و همکارانش (2005) در نتیجه انجام پژوهشی تجربی دریافتند، الگوهای مختلف روابط دولت‌ها می‌تواند بر نتایج کاربرد قدرت نرم تأثیر بگذارد؛ یعنی در صورتی که بین دولت به‌کاربرنده این منابع و دولت هدف روابط مبتنی بر همکاری وجود داشته باشد، این تأثیرگذاری تقویت خواهد شد. برعکس، در صورتی که مردم کشور هدف، کشور به‌کارگیرنده منابع قدرت نرم را دشمن خود تلقی کنند، تأثیرگذاری قدرت نرم کاهش خواهد یافت زیرا در صورت وجود تصویر مبتنی بر دشمنی میان دو کشور، مردم کشور هدف به‌سختی تحت تأثیر ایدئولوژی و ارزش‌های سیاسی کشور به‌کاربرنده منابع قدرت نرم قرار می‌گیرند و مانع ورود محصولات مربوط به قدرت نرم آن کشور به کشور خود می‌شوند. طبیعی است چنین اقداماتی به نوبه خود موجب تشدید برداشت‌های مبتنی بر دشمنی می‌شود (Alexander et al, 2005: 63). به همین شکل، تأثیرگذاری قدرت نرم با تغییر در محیطی که قرار است این تأثیرگذاری در آن رخ دهد، متفاوت می‌شود. برای مثال، دانشجویانی که در نتیجه برنامه‌های تبادل دانشجویی به کشور دیگری اعزام می‌شوند، ممکن است در مدت تحصیل خود دیدگاه‌های تازه‌ای در مورد کشور محل تحصیل به دست آورند اما مجبور شوند پس از بازگشت به وطن، خود را با محیط کشورشان تطبیق دهند (Ji, 2017: 83).

چالش سوم که آثار و پژوهش‌های موجود در حوزه قدرت نرم از آن غفلت کرده‌اند، میزان سازگاری منابع قدرت نرم کشور به‌کارگیرنده و منابع مشابه آن‌ها در کشور هدف است. همان‌گونه که اشاره شد، فرهنگ یکی از منابع قدرت نرم است. جهانی‌شدن و نوسازی با انتشار «اشکال خاصی از گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی» به «یکدست‌شدن فرهنگ جهانی» کمک کرده‌اند، به‌گونه‌ای که برتری فرهنگ آمریکایی، برخی از فرهنگ‌های غیرمسلط را به تقلیدکنندگان فرهنگ مسلط تبدیل کرده است؛ با این حال، مقاومت و منازعه فرهنگی هرگز از بین نمی‌رود (Boyd- baret, 2000: 300). همان‌گونه که ساموئل هانتینگتون اشاره می‌کند: «مهم‌ترین عامل ایجادکننده اختلاف و منبع اصلی منازعه میان انسان‌ها، فرهنگ است... برخورد تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تعیین‌کننده

سیاست جهانی خواهد بود» (هانتینگتون، 1378: 32). تردیدی نیست که فرهنگ هیچ کشوری برای مردم تمامی جهان جذابیت ندارد؛ بنابراین هماهنگی منابع قدرت نرم یک کشور با محیط کشور هدف، یکی از مؤلفه‌هایی است که در ارزیابی تأثیرگذاری قدرت نرم باید به آن توجه داشت. فهم و شناسایی دلایل ناهماهنگی میان منابع قدرت نرم یک کشور و محیط کشور هدف می‌تواند منجر به تدوین استراتژی‌های مناسب برای رفع این ناهماهنگی و اجرای مؤثر و کارآمد قدرت نرم شود.

4. مدل‌ها و شاخص‌های سنجش قدرت نرم

با وجود مشکلات طرح‌شده، برخی نهادها با توجه به اهمیت و ضرورت ارزیابی و سنجش قدرت نرم، اقداماتی در این حوزه انجام داده‌اند و کوشیده‌اند سطح کارایی و تأثیرگذاری قدرت نرم کشورها را مورد سنجش قرار دهند. نهادهای فعال در این زمینه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: یک گروه، مراکز تحقیقاتی و پژوهشی غیرانتفاعی هستند که با حمایت‌های دولتی و بین‌المللی در زمینه سنجش و ارزیابی قدرت نرم فعالیت می‌کنند که از جمله می‌توان به مؤسسه سلطنتی الکانو در اسپانیا یا مؤسسه حکومت در بریتانیا اشاره کرد. دسته دیگر از نهادهای فعال در این حوزه، شرکت‌هایی هستند که جنبه خصوصی داشته و برای نیل به اهداف تجاری، اقدام به رتبه‌بندی قدرت نرم کشورها کرده و در زمینه بهبود تأثیرگذاری قدرت نرم، به کشورهای متقاضی مشاوره می‌دهند (Kharitonova, 2015: 49). برای مثال، سیمون آنهولت با همکاری شرکت آلمانی جی‌اف‌ک (GfK) هر ساله اقدام به رتبه‌بندی کشورها از نظر قدرت نرم می‌کند و در عین حال در زمینه ارتقای آن، به چهل کشور جهان مشاوره می‌دهد (Anholt: 2014: 2).

هریک از این نهادها و مؤسسه‌ها، شاخص‌ها و معیارهای متفاوتی را برای سنجش قدرت نرم استفاده می‌کنند و براساس آن‌ها، کشورهای مورد بررسی را دسته‌بندی می‌کنند. در قسمت بعدی، به برخی از این معیارها پرداخته شده است. روشی که این نهادها و شرکت‌ها در ارزیابی قدرت نرم به کار می‌برند، روش تطبیقی و مقایسه‌ای است. این روش، امکان قضاوت در مورد میزان موفقیت کشورها به لحاظ قدرت نرم را فراهم می‌کند. روش مقایسه‌ای همچنین بررسی تغییر در جایگاه کشورها را از این نظر ممکن می‌سازد (Kharitonova, 2015: 50).

لی جی عنوان می‌کند تأثیرگذاری قدرت نرم در دو بُعد و سه سطح قابل مطالعه است. دو بُعد تأثیرگذاری قدرت نرم عبارتند از: بُعد احساسی و شناختی، و بُعد رفتاری. در بُعد احساسی و شناختی

به‌کارگیری منابع قدرت نرم سبب تغییر احساسات و برداشت‌های بازیگر یا بازیگران هدف می‌شود. در بُعد رفتاری نیز به‌کارگیری منابع قدرت نرم موجب تغییر در رفتار بازیگر یا بازیگران هدف می‌شود. سه سطح تأثیرگذاری قدرت نرم نیز عبارتند از: سطح فردی (خُرد)، سطح نهادی (متوسط)، و در نهایت سطح دولت (کلان). در سطح فردی، منابع قدرت نرم بر افکار یا رفتار افراد تأثیر می‌گذارد، در سطح نهادی بر افکار یا رفتار گروه‌های خاصی تأثیر گذاشته و آن‌ها را تغییر می‌دهد، و در سطح دولت نیز بر افکار یا رفتار دولتمردان کشور هدف اثر گذاشته و موجب تغییر آن می‌شود. در شکل زیر دو بُعد و سه سطح تأثیرگذاری قدرت نرم نشان داده شده است (Ji, 2017: 84).

جدول شماره ۱. ابعاد و سطوح تأثیرگذاری قدرت نرم

سطح دولت (کلان)	سطح نهادی (متوسط)	سطح فردی (خُرد)	
تغییر در افکار عمومی در دولت هدف	تغییر در افکار گروه هدف	تغییر در افکار و احساسات افراد هدف	بُعد شناختی و فکری
تغییر در سیاست خارجی و سیاست‌های دولتی	تغییر در سیاست‌های نهادی و گروهی	تغییر در رفتار افراد	بُعد رفتاری

برای آنکه نتایج و کارایی منابع قدرت نرم که توسط یک بازیگر به کار گرفته شده است، مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد، باید دو بُعد و سه سطح گفته‌شده مورد توجه قرار گیرند. براساس این الگو، می‌توان نتایج و کارایی قدرت نرم را در قالب سه مدل مورد سنجش و ارزیابی قرار داد که هرکدام از آن‌ها نیازمند به‌کارگیری روش‌ها و ابزارهای سنجش خاص خود است. این سه مدل عبارتند از: ۱) مدل مبتنی بر بررسی احساسات و عواطف بازیگران هدف؛ ۲) مدل مبتنی بر بررسی عقاید و افکار بازیگران هدف؛ ۳) مدل مبتنی بر بررسی رفتار و عملکرد بازیگران هدف (Ji, 2017: 84).

در مدل نخست، تأثیر به‌کارگیری منابع قدرت نرم بر عواطف و احساسات افراد هدف، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. به‌کارگیری منابع قدرت نرم می‌تواند موجب ایجاد احساسات منفی یا مثبت نسبت به کشور به‌کارگیرنده شود. برای سنجش عواطف و احساسات می‌توان از ابزارهایی همچون نظرسنجی، پیمایش، پرسش‌نامه، تحلیل محتوا، و کلان‌داده‌ها بهره گرفت (Solomon, 2014: 731). مدل دوم با برداشت‌ها و عقاید گروه‌های هدف سروکار دارد و تفاسیر، برداشت‌ها و عقاید جمعی افراد و گروه‌ها نسبت به کشور به‌کارگیرنده منابع قدرت نرم ارزیابی و سنجیده می‌شود. در رابطه با

این جنبه می‌توان از روش‌هایی همچون تحلیل محتوا، تحلیل متن، تحلیل گفتمان، تحلیل چهارچوب، و کلان‌داده‌ها استفاده کرد (Hayden, 2012: 36). مدل سوم نیز با رفتار بازیگران هدف سروکار دارد. در این جنبه این موضوع مورد سنجش قرار می‌گیرد که به‌کارگیری منابع قدرت نرم از سوی یک بازیگر، چه تغییراتی را در رفتار افراد، گروه‌ها و دولت‌هایی که این منابع در رابطه با آن‌ها به کار رفته است، ایجاد می‌کند. این تغییر رفتار می‌تواند در موارد مختلفی همچون استفاده از محصولات کشور اعمال‌کننده قدرت نرم، تغییرات ایجادشده در سیاست‌های گروه‌های خاص در کشور هدف نسبت به کشور اعمال‌کننده قدرت نرم، و در نهایت تغییرات ایجادشده در سیاست‌های دولت هدف به‌ویژه در رابطه با سیاست خارجی آن دولت، مشاهده شود (Ji, 2017: 85).

جدول شماره 2. شاخص‌های سنجش نتایج و کارایی قدرت نرم و روش‌های مرتبط

شاخص‌ها	روش‌ها
احساسات / عواطف	نظرسنجی، پیمایش، پرسش‌نامه، تحلیل محتوا، تحلیل کلان‌داده‌ها
برداشت‌ها / عقاید	تحلیل محتوا، تحلیل متن، تحلیل گفتمان، تحلیل چهارچوب‌ها، تحلیل کلان‌داده‌ها
رفتارها	تحلیل چهارچوب‌ها، تحلیل کلان‌داده‌ها

هریک از الگوهای گفته‌شده، یکی از ابعاد کارایی و اثرگذاری سنجش قدرت نرم را مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهند. برای مثال، الگوی نخست این موضوع را طرح می‌کند که به‌کارگیری منابع قدرت نرم از سوی یک کشور، تا چه اندازه توانسته است به شکلی موفقیت‌آمیز بر احساسات و عواطف فردی شهروندان کشور هدف تأثیر گذاشته و افکار و عقاید آن‌ها را به سوی خود جلب کند و احساس خصومت یا بدبینی موجود نسبت به کشورش را تبدیل به احساس دوستی یا خوش‌بینی کند.

الگوی دوم به دنبال بررسی این موضوع است که به‌کارگیری منابع قدرت نرم تا چه میزان توانسته است به شکلی موفقیت‌آمیز افکار و دیدگاه‌های شهروندان کشور هدف را درباره موضوعات مختلف، با آنچه کشور به‌کارگیرنده این منابع می‌خواهد، همراه کند و برای مثال آیا توانسته اقدامات و فعالیت‌های خود را در عرصه سیاست جهانی برای شهروندان کشور هدف مطلوب و توجیه‌پذیر سازد یا خیر.

الگوی سوم نیز بر تأثیر به‌کارگیری منابع قدرت نرم بر رفتار جمعی شهروندان کشور هدف به‌ویژه رهبران آن‌ها متمرکز شده است. در این الگو این موضوع بررسی می‌شود که آیا به‌کارگیری منابع قدرت

نرم از سوی یک کشور توانسته است همه یا دست‌کم بخش‌های قابل‌توجهی از شهروندان و رهبران کشور هدف را با منافع کشور به‌کارگیرنده قدرت همراه ساخته و از این مسیر، رفتار آن‌ها را تغییر دهد؟ به نظر می‌رسد کاربرد جداگانه هر یک از این الگوها نمی‌تواند نمایی دقیق و همه‌جانبه از کارایی و تأثیرگذاری مطلوب قدرت نرم یک کشور را در اختیار پژوهشگران قرار دهد و به همین دلیل، ترکیب این سه الگو و ارائه الگویی تلفیقی می‌تواند نتایج دقیق‌تری را در این زمینه به دست دهد. در این الگوی ترکیبی، کارایی و تأثیر به‌کارگیری منابع قدرت نرم از سوی یک کشور در هر سه سطح احساسات و عواطف، افکار و عقاید، و در نهایت رفتار، به شکل جداگانه و البته با توجه به ابزارهایی که مختص هر سطح است و در بالا به آن‌ها اشاره شد، مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. در نهایت نتایج به‌دست‌آمده در هر سطح با هم ترکیب شده و کارایی و تأثیرگذاری کلی قدرت نرم آن کشور را مشخص خواهند کرد. به عبارت دیگر: کارایی و اثرگذاری قدرت نرم برابر است با سنجش تأثیر آن بر عواطف و احساسات به‌علاوه افکار و عقاید، و رفتار.

براساس الگوی‌های سه‌گانه فوق و تلفیق آن‌ها، اقداماتی برای سنجش قدرت نرم صورت گرفته است. در ادامه برخی از مهم‌ترین تلاش‌هایی که در راستای ارزیابی و رتبه‌بندی قدرت نرم کشورها و مقایسه آن‌ها با یکدیگر صورت گرفته است و ویژگی‌های هر یک از این رتبه‌بندی‌ها، بررسی خواهد شد.

1-4. شاخص قدرت نرم 30

شاخص قدرت نرم 30، رتبه‌بندی سالیانه‌ای است که با همکاری مرکز دیپلماسی عمومی دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و شرکت ارتباطات پرتلند در لندن، تدوین و منتشر می‌شود. این رتبه‌بندی نفوذ هر کشور بر سایر کشورها را از طریق ابزارهایی جز قدرت نظامی، می‌سنجد. این شاخص براساس مجموعه‌ای از داده‌های عینی و همچنین نظر سنجی، کشورها را رتبه‌بندی می‌کند. از جمله این داده‌ها می‌توان به کیفیت نهادهای سیاسی، اعتبار جهانی نظام آموزش عالی، جذابیت مدل اقتصادی، میزان محبوبیت جهانی فرهنگ، سطح توانایی شبکه دیپلماتیک، و سرانجام نقش هر کشور در ایجاد داده‌های دیجیتال در سطح جهان اشاره کرد. در این شاخص، 30 کشور برتر از نظر قدرت نرم در

1. Soft Power index 30: این شاخص، جامع‌ترین شاخص سنجش قدرت نرم شناخته می‌شود و ذکر عدد 30 در عنوان به این دلیل است که در گزارشی که هر ساله در این زمینه منتشر می‌شود، مشخصه‌ها و وضعیت 30 کشور برتر از نظر قدرت نرم بیان می‌شود.

سطح جهان رتبه‌بندی می‌شوند (Soft Power index 30, 2019). در جدول زیر ده کشور که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

جدول شماره 3. ده کشور برتر از نظر شاخص قدرت نرم 30

رتبه	کشور
1	بریتانیا
2	فرانسه
3	آلمان
4	ایالات متحده
5	ژاپن
6	کانادا
7	سوئیس
8	سوئد
9	هلند

<https://softpower30.com/wp-content/uploads/2018/07/The-Soft-Power-30-Report-2018.pdf>

4-2. شاخص قدرت نرم¹

این رتبه‌بندی با همکاری مؤسسه حکومت بریتانیا که نهادی پژوهشی وابسته به دولت بریتانیاست، و مجله بریتانیایی مونوسل صورت می‌گیرد. از آنجاکه مؤسسه حکومت بریتانیا، مؤسسه‌ای دولتی است، هدف اصلی این رتبه‌بندی بررسی جایگاه بریتانیا در مقایسه با سایر بازیگران قدرتمند جهانی از نظر قدرت نرم و ارائه مشاوره برای تقویت جایگاه این کشور است. این رتبه‌بندی از سال 2010 سالانه منتشر می‌شود و در آن جایگاه کشورها براساس 50 شاخص مختلف که در پنج گروه کلی حکومت، فرهنگ، دیپلماسی، آموزش و اقتصاد / نوآوری قرار گرفته‌اند، مشخص می‌شود (Soft Power index, 2019). در جدول زیر ده کشور که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

1. Soft Power index

جدول شماره 4. ده کشور برتر جهان از نظر مؤسسه حکومت بریتانیا

رتبه	کشور
1	فرانسه
2	آلمان
3	ژاپن
4	کانادا
5	سوئیس
6	بریتانیا
7	سوئد
8	استرالیا
9	ایالات متحده
10	پرتغال

<https://monocle.com/film/affairs/soft-power-survey-2018-19>

3-4. شاخص قدرت نرم کشورهای دارای اقتصاد به سرعت در حال توسعه¹

این شاخص با همکاری مؤسسه ارنست و یانگ و مؤسسه مطالعات اقتصادهای در حال توسعه نوظهور که در مسکو واقع شده است، مورد سنجش قرار می‌گیرد. این شاخص وضعیت قدرت نرم کشورهایی را که جزء کشورهای دارای اقتصاد به سرعت در حال رشد هستند، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد. نخستین گزارش این شاخص که دوره زمانی 2005 تا 2010 را دربرمی‌گرفت، در سال 2010 منتشر شد. گزارش دوم که دوره زمانی 2005 تا 2015 را شامل می‌شود، با تغییراتی در روش سنجش و ارزیابی در سال 2015 منتشر شد. آخرین گزارش منتشر شده در رابطه با این شاخص، مربوط به سال 2017 است که در آن، سیزده معیار دسته‌بندی شده در سه گروه، مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرند. معیارها عبارتند از: میزان آزادی، میزان مشارکت در انتخابات، حاکمیت قانون، سهم در انتشار گازهای گلخانه‌ای، مهاجرت، توریسم، میزان تسلط شهروندان به زبان انگلیسی، رتبه دانشگاه‌ها، صادرات رسانه‌ای، شرکت‌های اقتصادی برجسته، تعداد مدال‌ها در المپیک، تعداد افرادی که از یک کشور در لیست 100 شخصیت برجسته مجله تایم قرار گرفته‌اند و میزان ثبت‌نام در کلاس‌های زبان‌های خارجی

1. The Index of "Soft Power" for Countries with Rapidly Developing Markets

(the index of “soft power” for countries with rapidly developing markets, 2017).

در جدول زیر ده کشور که از نظر این شاخص در سال 2017، در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

جدول شماره 5. ده کشور برتر از نظر شاخص قدرت نرم کشورهای دارای اقتصاد به سرعت در حال توسعه در سال 2017

رتبه	کشور
1	چین
2	روسیه
3	لهستان
4	ترکیه
5	مکزیک
6	شیلی
7	مالزی
8	مجارستان
9	آفریقای جنوبی
10	پرو

http://www.skolkovo.ru/public/media/documents/research/SIEMS_Monthly_Briefing_2012-06_eng.pdf

4-4. شاخص حضور جهانی¹

این شاخص از سال 2010 تاکنون به شکل سالیانه توسط مؤسسه سلطنتی الکانو در اسپانیا منتشر می‌شود. البته از سال 1990 تا 2010 هر پنج سال یک بار این رتبه‌بندی منتشر می‌شد. مؤسسه الکانو هدف از ارائه این شاخص را بررسی تغییرات ایجاد شده در جایگاه کشورها در نظم جهانی از پایان جنگ سرد تا زمان حاضر عنوان کرده است. داده‌هایی که در این رتبه‌بندی مورد استفاده قرار می‌گیرند، داده‌های عینی هستند. در این شاخص سه معیار حضور نظامی، حضور اقتصادی و حضور «نرم» براساس تحلیل چندین متغیر مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد و رتبه نهایی هر کشور براساس وضعیت آن از نظر سه معیار بالا

1. Global Presence index

مشخص می‌شود. در این رتبه‌بندی، جایگاه 110 کشور جهان براساس این سه معیار تعیین می‌شود. برای تعیین وضعیت هر کشور از لحاظ معیارهای سه‌گانه مذکور، از تعدادی از متخصصان بین‌المللی از کشورهای مختلف نظرسنجی می‌شود (Global Presence index, 2019). در جدول زیر ده کشوری که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

جدول شماره 6. ده کشور برتر از نظر شاخص حضور جهانی در سال 2018

رتبه	کشور
1	ایالات متحده امریکا
2	چین
3	آلمان
4	بریتانیا
5	ژاپن
6	فرانسه
7	روسیه
8	کانادا
9	ایتالیا
10	هلند

<https://www.globalpresence.realinstitutoelcano.org/en>

4-5. شاخص برندهای ملی آنهولت - جی‌اف‌ک¹

این شاخص براساس همکاری شرکت آلمانی جی‌اف‌ک که در زمینه بازاریابی تخصص دارد و سیمون آنهولت ارائه می‌شود. برای تدوین این رتبه‌بندی، با حدود 20 هزار نفر که بالاتر از 18 سال سن دارند، در 20 کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه جهان مصاحبه می‌شود. در این رتبه‌بندی وضعیت 50 کشور جهان از نظر برندهای ملی مشخص می‌شود. شش معیاری که در این رتبه‌بندی سنجش می‌شوند عبارتند از: مردم، حکومت، صادرات، توریسم، فرهنگ و میراث تاریخی،

1. Anholt-GfK Roper Nation Brands index

سرمایه‌گذاری و مهاجرت (Anholt-GfK Roper Nation Brands index, 2019).
در جدول زیر ده کشوری که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

جدول شماره 7. ده کشور برتر از نظر شاخص برندهای ملی آنهولت - جی اف ک

رتبه	کشور
1	آلمان
2	ژاپن
3	بریتانیا
4	فرانسه
5	کانادا
6	ایتالیا
7	ایالات متحده
8	سوئیس
9	سوئد
10	استرالیا

<https://www.gov.scot/binaries/content/documents/govscot/publications/statistics/2019/01/>

4-6. شاخص اعتبار اقتصادی فیوچر برند¹

رتبه‌بندی مؤسسه فیوچر برند، مبتنی بر نظرسنجی از گروه‌های خاصی از شهروندان است. افرادی که به طور مداوم به‌عنوان فعال اقتصادی یا توریست به کشورهای دیگر مسافرت می‌کنند و نیز گروه‌های خاصی که از آن‌ها با عنوان «رهبران فکری» یاد می‌شود. در این رتبه‌بندی که بیشتر رویکرد بازاریابی و اقتصادی دارد، در مجموع هفت معیار بررسی و ارزیابی می‌شود. این شاخص از سال 2014 به شکل سالیانه مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد (FutureBrand Country Brand index, 2019).
در جدول زیر ده کشوری که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

1. FutureBrand Country Brand index

جدول شماره 8. ده کشور برتر از نظر شاخص اعتبار اقتصادی فیوچر برَند در سال 2018

رتبه	کشور
1	ژاپن
2	نروژ
3	سوئیس
4	سوئد
5	فنلاند
6	آلمان
7	دانمارک
8	کانادا
9	اتریش
10	لوکزامبورگ

<https://www.futurebrand.com/uploads/FBI/FutureBrand-Country-Index-2019.pdf>

4-7. شاخص اعتبار کشورها¹

این رتبه‌بندی که از سال 2010 به شکل سالیانه توسط مؤسسه مشاور در حوزه افزایش اعتبار انتشار می‌یابد، براساس افکارسنجی در کشورهای عضو گروه هشت تدوین می‌شود. در این شاخص، دیدگاه مردم هریک از کشورهای عضو گروه هشت درباره سایر کشورهای عضو این گروه، براساس دو معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد: (1) میزان احترام، اعتبار و اعتمادی که مردم هریک از کشورهای عضو گروه برای سایر کشورها قائل‌اند؛ (2) ارزیابی آن‌ها از اقتصاد، مدیریت و محیط‌زیست آن کشورها. روشی که این مؤسسه برای رتبه‌بندی به کار می‌برد، نظرسنجی و مصاحبه از شهروندان کشورهای مورد بررسی است. برای مثال، در رتبه‌بندی سال 2018، با 58000 نفر در کشورهای مورد بررسی در فاصله مارس تا آوریل 2018 مصاحبه شد (Country Reputation Rating, 2019). در جدول زیر ده کشور که از نظر این شاخص در سال 2018 در جایگاه برتر قرار گرفته‌اند، نشان داده شده است.

1. Country Reputation Rating

الگوها و شاخص‌های سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم کشورها

جدول شماره 9. ده کشور برتر از نظر شاخص اعتبار کشورها در سال 2018

رتبه	کشور
1	سوئد
2	فنلاند
3	سوئیس
4	نروژ
5	نیوزیلند
6	استرالیا
7	کانادا
8	ژاپن
9	دانمارک
10	هلند

<https://www.reputationinstitute.com/country-reprtrak>

5. نتیجه گیری

امروزه قدرت نرم در کنار سایر اشکال قدرت جای خود را در مطالعات روابط بین‌الملل و سیاست خارجی باز کرده است و هر ساله پژوهش‌ها و تحقیقات گوناگونی در رابطه با این بُعد از قدرت صورت می‌گیرد. در عرصه سیاست‌گذاری عملی نیز کشورها و دولت‌ها توجه ویژه‌ای به قدرت نرم نشان داده و تمامی دولت‌ها، برنامه‌های ویژه‌ای برای تقویت قدرت نرم خود در سطح جهان دارند و بودجه‌های کلانی را صرف این برنامه‌ها می‌کنند.

یکی از موضوعات مهم در رابطه با تمامی اشکال قدرت و از جمله قدرت نرم، موضوع سنجش و ارزیابی نتایج و کارایی قدرت نرم است. سنجش و ارزیابی نتایج و میزان کارایی قدرت نرم اعمال‌شده توسط کشورها از این‌رو اهمیت و ضرورت دارد که نواقص و کمبودهای استراتژی‌های منتخب توسط کشورها در این حوزه را آشکار می‌سازد و در نتیجه کشورها می‌توانند با پی‌بردن به این نواقص و کمبودها، استراتژی‌های پیشین خود را اصلاح کنند و از این‌رو سطح کارایی و تأثیرگذاری این استراتژی‌ها را ارتقا دهند؛ باین‌حال، سنجش و ارزیابی نتایج و سطح اثرگذاری قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت دشوار است. این امر به ماهیت قدرت نرم و تفاوت‌های آن با

قدرت سخت بازمی‌گردد. برخلاف قدرت سخت که منابع آن جنبه عینی و ملموس دارند و نتایج کاربرد این منابع بسیار سریع در رفتار بازیگران هدف آشکار می‌شود، منابع قدرت نرم بیشتر ناملموس هستند و ممکن است نتایج، تأثیرات و کاربرد آن‌ها به آسانی آشکار نشود. به علاوه، ماهیت منابع قدرت نرم به گونه‌ای است که ممکن است عوامل واسطه‌ای دیگری بر نتایج و کارایی آن‌ها تأثیر بگذارند. از جمله می‌توان به تأثیر محیطی که این منابع در آن‌ها به کار گرفته می‌شوند و همچنین نوع روابط میان کشورهایی که منابع در رابطه با آن‌ها استفاده می‌شود، اشاره کرد. تغییر محیط و تغییر روابط میان کشور به کارگیرنده منابع قدرت نرم و کشور هدف نیز می‌تواند کارایی و نتایج قدرت نرم را تحت تأثیر قرار دهد.

به‌رغم دشواری‌ها و موانع موجود، با توجه به اهمیت و ضرورت سنجش و ارزیابی نتایج و کارایی قدرت نرم، تلاش‌هایی توسط مؤسسه‌ها و نهادهایی در سطح جهان برای سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم اعمال شده توسط کشورهای مختلف صورت گرفته است. برخی از این مؤسسه‌ها و نهادها وابسته به دولت‌ها و زیر حمایت مالی آن‌ها هستند و برخی دیگر شرکت‌هایی هستند که به شکل خصوصی فعالیت می‌کنند و ضمن سنجش قدرت نرم، در زمینه بهبود جایگاه خود در حوزه قدرت نرم به کشورهای مختلف مشاوره می‌دهند. روشی که این نهادها و مؤسسه‌ها برای ارزیابی و سنجش کارایی قدرت نرم کشورها به کار می‌برند، معمولاً روش تطبیقی و مقایسه‌ای است. روش تطبیقی امکان مقایسه قدرت نرم کشورها با یکدیگر و همچنین تغییر جایگاه آن‌ها را فراهم می‌کند.

هرچند تلاش‌هایی که در زمینه سنجش و ارزیابی قدرت نرم صورت گرفته است، بی‌شک نواقصی دارند و در بسیاری موارد، مؤسسه‌ها و نهادهایی که اقدام به سنجش قدرت نرم می‌کنند نیز به این نواقص اذعان دارند، باین‌حال می‌توان این تلاش‌ها را گام‌های مقدماتی در سنجش و ارزیابی کارایی قدرت نرم به شمار آورد؛ گام‌هایی که می‌توانند زمینه را برای انجام ارزیابی‌ها و سنجش‌های دقیق‌تر و کامل‌تر از نتایج و سطح کارایی قدرت نرم کشورها فراهم سازند.

فهرست منابع

1. آدمی، علی؛ قریشی، سیده مهدیه (1394)، «افول قدرت نرم امریکا؛ شاخص‌ها و مؤلفه‌ها»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره چهارم، صص 187-220.
2. پیشگاهی‌فرد، زهرا؛ فراهانی، مرتضی؛ مبلغی، عبدالمجید (1394)، «ارائه مدل تصمیم‌گیری چندشاخصه فازی برای مقایسه قدرت نرم کشورها»، سیاست جهانی، شماره 13، صص 7-34.
3. حافظ‌نیا، محمدرضا؛ زرقانی، سید هادی؛ احمدی‌پور، زهرا؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (1385)، «طراحی مدل سنجش قدرت ملی کشورها»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره دوم، دوره دوم، صص 46-73.
4. خداوردی، حسن؛ رحمتی، فرزانه (1397)، «راهبرد قدرت نرم امریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره 39، صص 75-94.
5. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال؛ ذوالفقاری، مهدی (1393)، «تحلیل قدرت نرم بریتانیا»، دوفصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، دوره 4، شماره 11، صص 79-106.
6. زرقانی، سید هادی (1389)، «نقد و تحلیل مدل‌های سنجش قدرت ملی»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره اول، صص 149-180.
7. سعیدی، روح‌الامین؛ مقدم‌فر، حمیدرضا (1393)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، دوره 4، شماره 11، صص 107-126.
8. سیف، الله‌مراد؛ افتخاری، اصغر؛ عزتی، مرتضی؛ رضانی، محمدتقی (1392)، «مفهوم‌شناسی قدرت نرم اقتصادی: توسعه نظریه قدرت نرم متعارف در حوزه اقتصاد»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال شانزدهم، شماره 58، صص 6-35.
9. عیوضی، محمدرحیم؛ پارسا، مونا (1393)، «الگوی تحلیلی قدرت نرم و سیاست بین‌الملل»، دوفصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، دوره 3، شماره 9، صص 99-112.
10. هانتینگتون، ساموئل (1378)، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمدعلی حمیدرفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
11. هرسیج، حسین؛ توپسرکانی، مجتبی؛ جعفری، لیلا (1388)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره چهارم، شماره 2، صص 225-269.
12. Alexander, MG.; Levin, S. & Henry, PJ. (2005), "Image theory, social identity, and social dominance: structural characteristics and individual motives underlying international images", *Political Psychology*, Vol. 26, No. 1.
13. Anholt, Simon (2014), About Simon Anholt:
<http://www.simonanholt.com/Explained/explained-about-simon-anholt.aspx>

14. Anholt-GfK Roper Nation Brands index (2019):
<https://www.gov.scot/binaries/content/documents/govscot/publications/statistics/2019/01/anholt-gfk-roper-nation-brands-indexsm-2018-report-scotland/documents/methodology-report/methodology-report/govscot%3Adocument/00545271.pdf>
15. Boyd Barrett, O. (2000), "Constructing the global, constructing the local: news agencies represent the world", in Malek, A. & Kavoori, A (eds.), *The global dynamics of news: studies in international news coverage and news agenda*, Ablex, Stamford.
16. Country Reputation Rating (2019), <https://www.reputationinstitute.com/country-reprtrak>.
17. Future Brand Country Brand index (2019):
<https://www.futurebrand.com/uploads/FCI/FutureBrand-Country-Index-2019.pdf>
18. Gallarotti, Giulio M. (2011), "Soft power: what it is, why it's important, and the conditions for its effective use", *Journal of Political Power*, Vol. 4, Issue 1.
19. Global Presence index (2019), <https://www.globalpresence.realinstitutoelcano.org/en/>
20. Hayden C. (2012), *The Rhetoric of Soft Power: Public Diplomacy in Global Contexts*, Lanham, MD: Lexington Books.
21. House of Lords (2014), *Persuasion and Power in the Modern World*, House of Lords, Paper 150 Session:
<https://publications.parliament.uk/pa/ld201314/ldselect/ldsoftpower/150/150.pdf>
22. Ji, Li (2017), *Measuring soft power*, in Naren Chitty, Li Ji, Gary D. Rawnsley, Craig Hayden (eds), *The Rutledge Handbook of Soft Power*: London, Routledge.
23. Kharitonova, Elena M. (2015), "soft power effectiveness: problem of evaluation", *MEMO Journal*, No. 6, pp. 48-58.
24. Nye, J. (2011), *the future of power*, Public Affairs, New York.
25. Nye, J. (2000), *the Paradox of American Power. Why the World's only Super Power can't go it Alone*, Oxford: Oxford University Press.
26. Nye, J. (2004), *Soft power: the means to success in world politics*, Public Affairs, New York.
27. Nye, J. (1990), *Bound to lead: the changing nature of American power*, Basic Books, New York.
28. OECD (The Organization for Economic Co-operation and Development), (2014), *Engaging with the Public*, 12 Lessons from DAC Peer Reviews and the Network of DAC Development Communicators:
<http://www.oecd.org/dac/peerreviews/12%20Lessons%20Engaging%20with%20the%20public.pdf>
29. Patalakh, Artem (2016), "Assessment of Soft Power Strategies: Towards an Aggregative Analytical Model for Country-Focused Case Study Research", *Croatian International Relations Review*, 22 (76), pp. 85-112.
30. Singh, J. P.; MacDonald, S. (2018), *Soft Power Today. Measuring the Influences and Effects*, Institute for International Cultural Relations of the University of Edinburgh.
31. Solomon, T. (2014), "The affective underpinnings of soft power", *European Journal of International Relations*, 20 (3), pp. 720-741.
32. Soft Power index (2019), <https://monocle.com/film/affairs/soft-power-survey-2018-19/>
33. Soft Power index 30 (2019), <https://softpower30.com/wp-content/uploads/2018/07/The-Soft-Power-30-Report-2018.pdf>
34. The index of "soft power" for countries with rapidly developing markets (2017):
http://www.skolkovo.ru/public/media/documents/research/SIEMS_Monthly_Briefing_2012-06_eng.pdf
35. Yavuzaslan, Kiyemet; Cetin, Murat (2016), "Soft Power Concept and Soft Power Indexes", in Bilgin, M. H., Danis, H., Demir, E., Can, U (eds.), *Business Challenges in the Changing Economic Landscape*, Vol. 1, Springer International Publishing.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی